

گسترش اعتراضات کارگران و وظایف ما !

رژیم جمهوری اسلامی که روزی برای جلب کارگران به خود، از زبان روباه حيله گرش خمینی گفت که "خدا هم کارگر است!" و بدین ترتیب مقام والای کارگر را حداقل در حرف به رسمیت شناخت، در عمل پیوسته با کارگران سر ستیز داشته و شرایط زیستی جهنمی ای برای آنها درست کرده است که در تاریخ صدساله ی اخیر ایران بی نظیر است.

در چند سال اخیر عمده مبارزات کارگران بر سر گرفتن حقوقهای معوقه و جلوگیری از اخراجهای ناشی از خصوصی سازیها در صنایع کوچک و متوسط، انجام می گرفت؛ اکنون ادامه ی دست درازی رژیم به صنایع کلیدی و بزرگ آغاز شده و صدای اعتراضی کارگران نیز علیه خصوصی سازیها اوج گرفته است.

اعتراض ۶۰۰ نفر از کارگران اخراجی بخش خدمات و پشتیبانی صنعت نفت در ۲۰ مهرماه و درخواست برگشتن بر سر کار خود و به دنبال آن در هفته ی گذشته اعتراضات کارگران پتروشیمی اصفهان، اراک و خارک در تحویل دادن این صنایع به بخش خصوصی، نشان می دهد که رژیم کمافی السابق و تحت رهنمودهای بانک جهانی که مجری سیاستهای سرمایه های فراملی بوده و فراهم ساختن شرایط برای چنگ اندازی اسن سرمایه ها به تمامی صنعت و تجارت در ایران را تدارک می بیند ، مشغول "تعدیل ساختار اقتصادی" است که در مدل ایرانی معنای این سیاست همانا ملاحظور کردن فعلی صنایع دولتی توسط آقازاده ها و اطرفیانشان است - به مفهوم خریدن این کارخانه ها به قیمت ناچیز، نه برای ادامه و بهبود تولید بلکه برای فروختن احتمالی آن دسته از کارخانه هائی که در زمینهای مناسبی قرار دارند و به دست آوردن پولهای هنگفت و سپس با استفاده از امکانات دولتی مجاز یا به طور غیر مجاز وارد کردن کالاهای مشابه این کارخانه ها از خارج و کسب ابر سود از راه تجارت تا به مصداق "الکاسبُ حبيب الله!" هم این دنیا را به حساب خودشان واریز کنند و هم "آخرت" را! - و در نهایت افتادن اداره ی این صنایع به دست سرمایه های فراملی .

اعتصابات کارگران شرکت نخ و صنایع ابریشم گیلان، اعتراضات کارگران ریسندگی و نساجی کاشان، اعتراضات کارگران شرکت آذرب اراک، تجمع کارگران اخراجی شرکت تهران قفل ساوجبلاغ در جلو اداره ی کار وغیره، طی چند هفته ی اخیر، هم راه با اعتراضات دانش جویان، معلمان، تاکسی رانان و غیره نشان می دهد که ازدیاد فشار به کارگران و زحمت کشان و به ویژه اخراج کارگران دایمی برای جایگزین کردن آنها با کارگران غیر دایمی و از این طریق کشیدن شیرهی جان آنان در میدان کار، توسط رژیم حامی سرمایه داران ادامه یافته و متعاقب آن کارگران نیز برای احقاق حقوق اولیه ی خود صدای اعتراضی شان را رساتر کرده اند.

فشار بر دوش کارگران و زحمت کشان به حدی رسیده است که حتا عوامل رژیم در درون جنبش کارگری نیز به صدا درآمده اند. حسن صادقی رئیس "کانون عالی شوراهای اسلامی" می گوید : از ۲۲ هزار کارگر نساجی اصفهان، ۸ هزار نفر مشمول قانون بازنشستگی زودرس و ۱۰ هزار نفر دیگر اخراج و یا بازخرید شده اند و ۹۰٪ نیروی کار زیر خط فقر هستند (۶۵٪ بطور نسبی و ۲۵٪ بطور مطلق!)

تجربه ی بیش از ۱۰۰ سال مبارزات کارگران در ایران و نیز در جهان نشان داده است که در رشد مبارزات و جنبش کارگری، جنبش پیشروان و جنبش توده ی کارگری، لازم و ملزوم یک دیگرند. حرکت کارگران در جهت پیروزی شان بر نظام گنبدیده ی سرمایه داری، بدون هدایت پیشروان کمونیست، از حد اکونومیسم تجاوز نمی کند و حرکت پیشروان کارگری ، بدون پیوند با جنبش کارگری در بهترین حالت در حدی آنارشیستی و یا دگماتیستی باقی می ماند و منشاء اثری برای کارگران نمی گردد.

در چنین شرایطی و تا آن جا که به پیشروان کارگری مربوط می شود، اعلام پشتیبانی از مبارزات کارگران لازم بوده اما به هیچ وجه کافی نیست. هم چنین به جای رهنمود واحد دادن به طبقه کارگر، طرح شعارهای گوناگون که در چند ماه اخیر در زمینه ی تشکیل یابی مستقل طبقه ی کارگر توسط نیروهای مدعی کمونیست بودن ارائه شد، جز بردن تشتت نظری و تفرقه ی درون جنبش کمونیستی ایران، به درون جنبش کارگری، معنایی نداشته و مسلماً طبقه ی کارگر ایران نیز بنا بر غریزه ی طبقاتی اش گوش چندانی به این "رهنمودها" نخواهد داد. ایجاد تشکل مستقل سراسری کارگران، بدون تشکل مستقل واحد و سراسری کمونیستها تنها رؤیایی است تحقق ناپذیر. زیرا همان طور که می بینیم بورژوازی جهانی و داخلی تمام سعی خود را به کار می برند تا تشکلهای کارگری را زیر خط زرد خود کشیده و نگه دارند و لذا عوامل آنها در درون جنبش کارگری تا آن جا که بتوانند اخلاص خواهند کرد.

وظایف کمونیستها در قبال جنبش کارگری ایران و جهان امروز چنین است: سکتاریسم را در درون جنبش کمونیسم طرد کنید، خود مرکز بینانی را که صدایشان از حد اعلانات رادیو تلویزیونی و "چت کردنیهای لومپنی و غوغا سالار"، در خارج از کشور، تجاوز نمی کند، از خود برانید، طبق رهنمود "کارگران جهان متشکل شوید"، "کارگران متشکل همه چیز و کارگران غیر متشکل هیچ اند" و کمونیستهای راستین مدافع منافع و مصالح عام جنبش کارگری هستند، برای نظم دادن به صف مبارزاتی طبقه ی کارگر، مقدمتاً صف واحد خود را منظم کنید. کمونیسم با فرقه گرایی بیگانه است چون که عزم فتح جهان را دارد و فتح جهان بدون نیرویی جهانی، امکان پذیر نیست!

دخالت دین در دولت به آخر خط رسیده است، اما قطع دخالت دین در دولت، پایان کار نیست. باید دست انگل ها را از تصاحب تولید تحت عنوان مالک و یا سرمایه دار قطع کرد و سرنوشت تولید را به دست خود تولیدکنندگان سپرد. زیرا تا زمانی که آنها وجود داشته باشند در شکلهای مختلف مردم را باتکیه به قهر ضدانقلابی سرکوب نموده و ثمره ی کار و زحمت آنان را به یغما خواهند برد، همانگونه که اکنون در کشورهای پیشرفته سرمایه داری چنین می کنند.

کمونیستها باید برای گرفتن تمامی قدرت حاکمه توسط شوراهای کارگران و زحمت کشان مبارزات خود را متحدتر و متمرکزتر و در پیوند با جنبشهای کارگری و توده ای، پیش ببرند. باید به پیشواز این وظایف سترک تاریخی برویم .